



کنکاشی نجومی دربارهٔ زمان تولد و مرگ شیخ اشراق

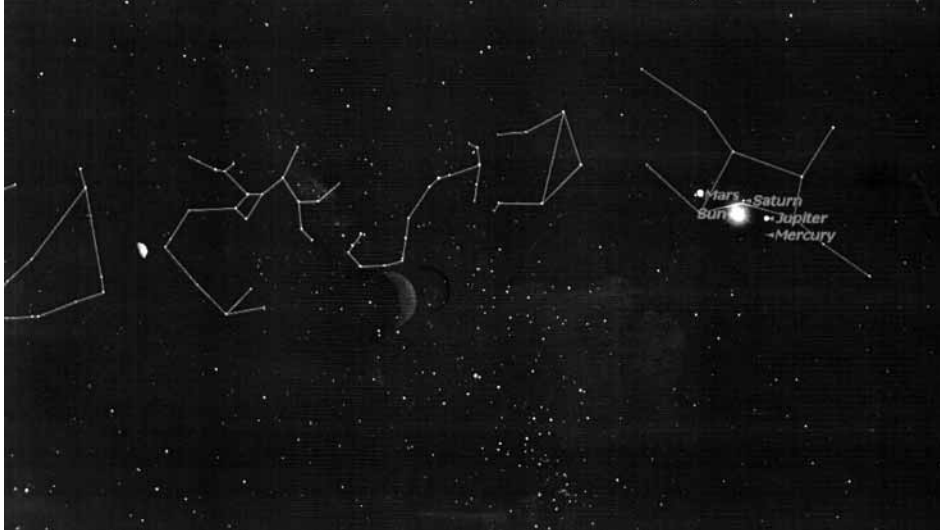
رضا قادری

مقدمه

تمامی محققین و نویسندگانی که در رابطه با حیات و زندگی شیخ اشراق قلمی زده‌اند، سال‌ها بعد از مرگ او تصنیفات خود را گردآوری کرده‌اند. ظاهراً عمر کوتاه، روحیهٔ آزاده و عدم تناسب افکار او با دورانش محیط و فضای امنی را برای تربیت شاگردان مهیا نساخته بود، تا کسانی بر اساس مشاهدات مستقیم و پرسش از شیخ، زندگی او را به دقت ضبط کنند.

از سوی دیگر از آنجا که در تاریخ اندیشه و تفکر اسلامی، سه سهروردی وجود داشته است، برخی تاریخ حیات و درگذشت این سه را با یکدیگر خلط کرده‌اند. این سه سهروردی عبارتند از:

۱. شهاب‌الدین یحیی بن حبش بن امیرک سهروردی (شیخ اشراق)
۲. شهاب‌الدین عمر بن محمد که از نوادگان ابوبکر خلیفه اول مسلمین بوده و عوارف‌المعارف و رشف‌النصایح از تألیفات اوست و در سال ۶۳۲ هجری درگذشته است.
۳. ابوالنجیب سهروردی که عموی شهاب‌الدین عمر بوده و او نیز در تصوف دارای تألیفاتی است.



در هر حال در مورد تاریخ تولد و مرگ سهروردی اختلافاتی وجود دارد و آنچه ما در مورد جزئیات زندگی او می‌دانیم (مانند واقعه مرگ و شهادت و رابطه او با فرزانه‌گان و تفکر ایران باستان) قرین ابهامات و تردیدهایی است. در طی مقاله حاضر تلاش می‌کنم برخی وقایع نجومی نادری را که در طی دوران حیات شیخ واقع شده و ایشان نیز خوشبختانه به آنها تصریح کرده است. بررسی کرده و بر اساس آنها برخی ابهامات تاریخی زندگی او را روشنتر سازم.

تاریخ تولد و مرگ شیخ

به روایت برجسته‌ترین راوی احوال او، شهرزوری، شیخ در ۵۴۵ و یا ۵۵۰ هجری قمری متولد شده و در سال ۵۸۱ نیز وفات کرده است. برخی نیز تاریخ تولد او را ۵۸۷ ثبت کرده‌اند که البته قطعاً اشتباه است. کهن‌ترین متنی که به زندگی او پرداخته است، کتاب نزهة الارواح شهرزوری است. پس از آن از منابع معتبر کهن دیگر باید به مراه‌الجنان یافعی، و فیات‌الاعیان ابن خلکان، عبون‌الانباء ابن‌اصبغ، تنمة صوان‌الحکمة بیهقی، معجم‌الادباء یاقوت حموی و برخی آثار بالنسبه جدیدتر مثل روضات‌الجنات و ریحانة‌الادب اشاره کرد. بر اساس بررسی و مقایسه مجموع آنچه در این رسائل و کتب ذکر شده است. آنچه منطقی‌تر به نظر می‌رسد و پروفیسور هانری کربن و دکتر سید حسین نصر نیز آن را ذکر کرده‌اند، وی در ۵۴۹ ق متولد و در ۵۸۷ ق نیز به شهادت رسیده است. با کمال تعجب در متن پروفیسور کربن و به تبع ایشان دکتر نصر و دکتر شایگان تاریخ تولد شیخ ۵۴۹ ق معادل ۱۱۵۳ میلادی و وفات ایشان در سال ۵۸۷ ق معادل ۱۱۹۱ م ثبت شده است که البته صحیح نمی‌باشد. شیخ در سال ۱۱۵۴ م متولد شده است (اگر تولد او را ۵۴۹ ق در نظر بگیریم). علت خطای این اساتید در تبدیل تاریخ هجری قمری به میلادی به تغییر تقویم نگاری (از سال ۱۵۸۲ میلادی در مغرب زمین) باز می‌گردد.

تقویم میلادی

تقویم میلادی بر پایه تقویم رومی (ژولیوس سزار) قرار داشته و از سال ۴۶ پیش از میلاد آغاز شده است. تعداد ایام در هر سال بنابراین تقویم ۳۶۵ روز به حساب می‌آمده است. از آنجا که یکسال کمی بیش از ۳۶۵ روز است، سال‌هایی که بر ۴ قابل قسمت بوده است را کبیسه لحاظ می‌کردند و ۳۶۶ روز می‌شمارند. در سال ۱۵۸۲ میلادی، دانشمندان اروپایی با محاسبات دقیق‌تر به این نتیجه رسیدند که هر سال ۳۶۵/۲۴۲۱۹۹/۱۰۰۰ شبانه روز می‌باشد و تقویم میلادی فعلی یا تقویم گریگوری را بر آن اساس پایه‌ریزی کردند. بنابراین در تبدیل تاریخ‌های هجری قمری به میلادی باید توجه کرد که اگر این تبدیل مربوط به پیش از سال ۱۵۸۲ میلادی باشد (مثل تاریخ تولد شیخ) نمی‌توان بر اساس تاریخ گریگوری که امروزه متداول است، تاریخ‌ها را تطبیق کرد. در این خصوص می‌توان به گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله اثر احمد بیرشک و یا جداول تاریخ‌های ایرانی اثر دکتر قدرت‌الله تمدنی رجوع کرد، که در آن صورت سال ۵۴۹ هجری قمری معادل با ۱۱۵۴ میلادی است.

اوضاع نجومی در طی سال ۵۴۹ هجری قمری

از آنجا که ما نمی‌دانیم شیخ در چه ماه و یا روزی از سال ۵۴۹ ق به دنیا آمده است، لذا معیار را اول محرم ۵۴۹ ق می‌گذارم و به بررسی حرکت سیارات در طی یک سال قمری در پهنه منطقه البروج می‌پردازم. اول محرم ۵۴۹ ق معادل با پنجشنبه ۲۵ مارس ۱۱۵۴ و یا ۴ فروردین ۵۳۳ شمسی است و ۲۹ ذیحجه ۵۴۹ (ذوالحجه ۲۹ روز دارد) معادل با ۱۳ مارچ ۱۱۵۵ و یا ۲۱ اسفند ۵۳۳ هجری شمسی بوده است. در طی جدول صفحه بعد اوضاع هفت کوكب اصلی در نجوم و هیئت قدیم، یعنی شمس، قمر، مریخ، عطارد، برجیس، زهره و زحل را ماه به ماه به افق شهر زنجان، ایران بررسی می‌کنم.

تقویم میلادی

بر پایه تقویم رومی

(ژولیوس سزار)

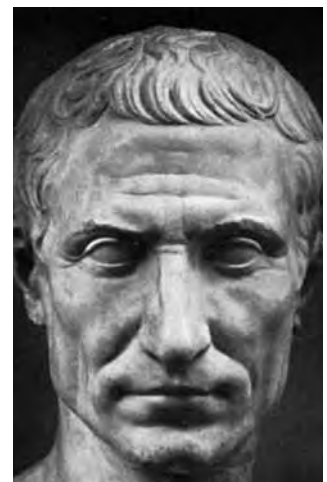
قرار داشته و

از سال ۴۶

پیش از میلاد

آغاز شده

است.



ژولیوس سزار

شماره	خورشید	ماه	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
۱	حوت (۱۲)	حمل (۱)	جوزا (۳)	حوت (۱۲)	قوس (۹)	دلو (۱۱)	اسد (۵)
۲	حمل (۱)	ثور (۲)	جوزا (۳)	ثور (۲)	قوس (۹)	حوت (۱۲)	اسد (۵)
۳	ثور (۲)	جوزا (۳)	سرطان (۴)	ثور (۲)	قوس (۹)	حمل (۱)	اسد (۵)
۴	جوزا (۳)	سرطان (۴)	سرطان (۴)	جوزا (۳)	قوس (۹)	ثور (۲)	اسد (۵)
۵	سرطان (۴)	اسد (۵)	اسد (۵)	اسد (۵)	قوس (۹)	سرطان (۴)	اسد (۵)
۶	اسد (۵)	سنبله (۶)	سنبله (۶)	سنبله (۶)	قوس (۹)	اسد (۵)	اسد (۵)
۷	سنبله (۶)	میزان (۷)	سنبله (۶)	سنبله (۶)	قوس (۹)	سنبله (۶)	اسد (۵)
۸	میزان (۷)	عقرب (۸)	میزان (۷)	میزان (۷)	قوس (۹)	میزان (۷)	اسد (۵)
۹	عقرب (۸)	قوس (۹)	عقرب (۸)	عقرب (۸)	قوس (۹)	عقرب (۸)	سنبله (۶)
۱۰	قوس (۹)	جدی (۱۰)	عقرب (۸)	جدی (۱۰)	جدی (۱۰)	جدی (۱۰)	سنبله (۶)
۱۱	جدی (۱۰)	دلو (۱۱)	قوس (۹)	قوس (۹)	جدی (۱۰)	دلو (۱۱)	سنبله (۶)
۱۲	دلو (۱۱)	حوت (۱۱)	جدی (۱۰)	جدی (۱۰)	جدی (۱۰)	حوت (۱۲)	اسد (R) (۵)

منجمین و احکامیون قدیم معتقد بودند که هر گاه ارواح از عالم قدس بر ارض هبوط می‌کنند، باید به تناسب شأن و منزلت تولد آن نور قدسی اوضاع کواکب در شرایط ویژه و چیدمانی مناسب باشند. هر چند چنین افکاری امروزه یکسره لغو و باطل شمرده می‌شود، اما اگر می‌خواستیم مانند قدما فکر کنیم در آن صورت در ماه صفر، خورشید، ماه و ناهید هر سه در شرف خود واقع شده بودند و دوران مناسبی بر تولد شیخی است که فلسفه خود را بر "نور" نهاده است، (شرف خورشید) و لطافت نفس و زیبایی سیما و قریحه (شرف ماه و زهره) را یکسره در خود جمع داشته است. نامناسب نخواهد بود اگر اشاره کنم که شیخ درک عمیقی از نجوم و احکام قدیم داشته است و در رسائل خود به زبان رمز و گاهی روشن از بروج و کواکب سخن گفته است و متأسفانه تاکنون از این چشم انداز آثار او بررسی نشده است.

حکمة الاشراق

حکمة الاشراق مهمترین رساله تعلیمی سهروردی است که در آن از نقل و تحلیل فلسفه مشاء (مانند سه رساله تعلیمی دیگری) دست برداشته و به تبیین ظرایف و اختصاصیات حکمت خاص خویش موسوم به حکمت اشراق پرداخته است. در پایان این رساله (وصیت مصنف) تاریخ و زمانی که رساله را به پایان رسانده بیان کرده است: «من از تألیف این کتاب در اواخر جمادی‌الآخره از سال ۵۸۲ فراغت یافتیم و آن روزی بود که ستارگان هفتگانه در برج میزان گرد آمده بودند و آن در ساعت آخر آن روز بود...»

این واقعه نجومی نادر و فوق‌العاده در ۲۳ سپتامبر ۱۱۸۶ میلادی واقع شده است. وقتی این واقعه را بر اساس منطقه البروج نجومی محاسبه می‌کردم، تجمع سیارات در برج سنبله (برج ششم) واقع می‌شد. بنابراین بر اساس اعتقاد قدما سراغ منطقه البروج منطوقی رفتم و در آن صورت تمامی کواکب هفتگانه در ساعت ۲۲:۴ (ساعت آخر

شیخ درک عمیقی از
نجوم و احکام قدیم داشته
و در رسائل خود
به زبان رمز
و گاهی روشن
از بروج و کواکب
سخن گفته است و
متأسفانه تاکنون
از این چشم انداز
آثار او
بررسی نشده
است.

آن روز) از روز سه‌شنبه ۲۳/۹/۱۱۸۶ در اتصال با هم قرار گرفته بودند. لازم به ذکر است که ماه (قمر) در طی هر ماه تمامی ۱۲ برج فلکی را سیر می‌کند و خورشید، عطارد و زهره تقریباً هر سال یک دور منطقه البروج را طی می‌کنند. مریخ نزدیک به ۲ سال، مشتری ۱۲ سال و زحل هر ۳۰ سال یک بار منطقه البروج را طی می‌کنند. بنابراین به یک خط در آمدن این هفت کوكب و اتصال آنها با هم واقعه‌ای نادر و درخور اعتنا به لحاظ نجومی است.

منطقه البروج نجومی و منطوقی

اول لازم است اشاره‌ای به منطقه البروج و سپس اختلاف دو نوع منطقه البروج کنیم: اگر ناظر زمینی، حرکت خورشید را ملاحظه کند، مسیر حرکت ظاهری خورشید به دور زمین دایره‌ای فرضی به نام دایره البروج را شکل می‌دهد. در صورتی که دایره البروج را به پهنای ۹ درجه از هر طرف عرضی کنیم (مجموعاً ۱۸ درجه) نواری فرضی بدست می‌آید که آن را منطقه البروج می‌نامیم. حال آنکه این ۳۶۰ درجه را به ۱۲ قسمت مساوی (۳۰ درجه) تقسیم کنیم، هر بخش یک برج فلکی خورشیدی نامیده می‌شود. نام برج فلکی و سرور هر برج را در جدول ذیل توجه فرمایید.

عموماً تصور می‌شود تنها یک منطقه البروج وجود دارد. در حالی که دو چشم‌انداز متفاوت نسبت به مشاهده منطقه البروج وجود دارد:

- ۱) منطقه البروج منطوقی یا متغیر (Tropical Zodiac)
- ۲) منطقه البروج نجومی یا ثابت (Sidereal Zodiac)

بروج فلکی در منطقه البروج منطوقی بر اساس اعتدالین و نه ستارگان ثابت در نظر گرفته می‌شوند. می‌دانیم که زمین در هر ۳۶۵/۲۶ روز یک بار به دور خورشید می‌چرخد. زاویه میل سطح به محور زمین ۲۳/۵ درجه می‌باشد. به این ترتیب با توجه به ایجاد اختلاف فاصله بین زمین و خورشید فصول به وجود می‌آیند. تنها در دو نقطه مسیر زمین به دور خورشید طول روز و شب کاملاً یکسان است که به آن برابری یا اعتدالین گفته می‌شود که مصادف است با اول فروردین (اعتدال بهاری) و اول پاییز (اعتدال پاییزی). سرآغاز منطقه البروج منطوقی، اولین درجه از برج قوچ است، یعنی اولین لحظه ورود خورشید به برج حمل که اصطلاحاً آن را "رأس الحمل" می‌نامند. فاصله زمانی دو گذار پی در پی مرکز خورشید به نقطه اعتدال بهاری را سال خورشیدی می‌نامیم.

این واقعه نجومی را (پایان نگارش کتاب حکمة الاشراف) بر اساس معتبرترین نرم‌افزارهای نجومی مثل Starry night، Goravani، Shri Jyoti star و Kala با احتساب صور فلکی و بدون صور فلکی بازسازی و چاپ کرده‌ام که در صفحات بعد ملاحظه می‌فرمایید.

رفع برخی خطاهای متداول

شماره	نام برج فلکی	سرور برج	شماره	نام برج فلکی	سرور برج
۱	حمل	مریخ	۷	میزان	زهره
۲	ثور	زهره	۸	عقرب	مریخ
۳	جوزا	عطارد	۹	قوس	مشتری
۴	سرطان	قمر	۱۰	جدی	زحل
۵	اسد	شمس	۱۱	دلو	زحل
۶	سنبله	عطارد	۱۲	حوت	مشتری

یکی از حکایات و روایات که در حاشیه زندگی شیخ اشراق طرح شده است ورود شمس تبریزی به حلب در آستانه یا کمی پس از شهادت شیخ اشراق است؛ و اینکه شمس تبریزی که خود در بی‌پروایی شهره بود، شجاعت و بی‌پروایی سهروردی را عامل مرگ او محسوب کرده است. ما در هر تاریخی که شک کنیم، به طور قطع در این تردیدی نیست که کتاب حکمة الاشراف که اوج آثار و تألیفات سهروردی است، در سال ۱۱۸۶ م (۵۸۲ ق) به پایان رسیده است و مسلماً سهروردی پس از پایان رساندن این کتاب سال‌های زیادی را زندگی نکرده است و اما مولانا بنابر معتبرترین منابع و کهن‌ترین آنها مثل مناقب العارفين و نفحات الانس در ششم ربیع‌الاول سال ۶۰۴ ق معادل هفتم اکتبر ۱۲۰۷ م در شهر بلخ به دنیا آمده است.



تبدیل تاریخ تقریبی

تولد شیخ اشراق (۵۴۹ ق)

توسط پروفیسور کربن

به ۱۱۵۳ م اشتباه است و

تاریخ صحیح ۱۱۵۴ م

است.

خانواده مولانا در حدود سال ۱۲۱۷ م ایران را ترک کرده‌اند و بر خورد او با شمس‌الدین تبریزی نیز در ۶ دسامبر ۱۲۴۴ م بوده است، یعنی ۵۸ سال پس از اتمام نگارش کتاب حکمة‌الاشراق.
با علم به اینکه سهروردی حتی ۵۸ سال هم عمر نکرده است (در حدود ۳۸ سالگی به شهادت رسیده است) احتمال ورود شمس تبریزی در آستانه شهادت سهروردی به شهر حلب قطعاً اشتباه است.

نتیجه‌گیری

متأسفانه بر اساس آنچه موجود است می‌توان به طور یقین تنها نتایج زیر را گرفت:

۱. شمس تبریزی هنگام مرگ شیخ اشراق در حلب نبوده است.
۲. تاریخ اتمام کتاب حکمة‌الاشراق ۲۳ سپتامبر ۱۱۸۶ م معادل با ۲۰ جمادی‌الآخر ۵۸۲ ق معادل با اول مهرماه ۵۶۵ هجری شمسی و در ساعت ۱۰:۴ شب بوده است.
۳. تبدیل تاریخ تقریبی تولد شیخ اشراق (۵۴۹ ق) توسط پروفسور کربن به ۱۱۵۳ م اشتباه است و تاریخ صحیح ۱۱۵۴ م است.



و اما به احتمال قوی نیز می‌توان موارد زیر را عنوان کرد:

۱. تولد شیخ اشراق در ۵۴۹ ق بوده است.
 ۲. تاریخ مرگ شیخ در ۵۸۷ ق بوده و در نتیجه ایشان در ۳۸ سالگی به شهادت رسیده‌اند. یعنی ۵ سال پس از اتمام کتاب حکمة‌الاشراق.
- و سرانجام بنابر قوانین علم احکام نجوم که امروزه یکسره لغو و باطل قلمداد می‌شود، ولی در گذشته و نزد قدما از عزیزترین علوم محسوب می‌شده است، تاریخ دقیق تولد شیخ اشراق در ۲۴ آوریل ۱۱۵۴ میلادی و در ساعت ۱۲:۲۴ ظهر بوده است. (که معادل است با ۲۸ محرم ۵۴۹ هجری قمری و ۳۱ فروردین ۵۳۳ هجری شمسی خواهد بود).

اینجانب از چندین روش برای تصحیح احکامی تاریخ تولد شیخ بهره برده‌ام که برخی را در هندوستان و یکی را نیز که توسط عزیز می‌شده است، بر اساس متون کهن موجود در علم احکام نجوم بویژه اثر ابونصر قمی استخراج شده، فراگرفته‌ام. از آنجا که تفصیل محاسبات در این مقاله را لازم نمی‌بینم، تنها به نکاتی اشاره می‌کنم:

۱. معیار تصحیح را مرگ تقریبی، نگارش و پایان تألیف کتاب حکمة‌الاشراق گذاشته‌ام.
 ۲. روش‌های تصحیح تولد افراد از مهارت‌هایی بوده است که منجمین قدیم داشته‌اند و این روش‌ها در آثار آنها همچنان مندرج است.
- در نهایت پذیرش و یا عدم پذیرش روز و ماه تولد شیخ اشراق که بر اساس علم تنجیم محاسبه شده است به عهده خواننده است.

منابع و مأخذ

۱. شیخ اشراق. ترجمه فارسی حکمة‌الاشراق. ترجمه سید جعفر سجادی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۷.
۲. شهاب‌الدین یحیی سهروردی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق ج ۲. تصحیح هنری کربن. پژوهشگاه علوم انسانی ۱۳۷۳.
۳. داریوش شایگان، هانری کربن، ترجمه باقر پرهام. نشر فرزاد ۱۳۷۳.
۴. م م شریف، تاریخ فلسفه در اسلام ج ۱، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۲.
۵. هانری کربن، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی سازمان چاپ وزارت ارشاد ۱۳۸۴.
۶. دکتر علی اصغر حلبی، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی، نشر اساطیر ۱۳۷۳.
۷. دکتر قدرت‌الله تمدنی، جدول تاریخ‌های ایرانی، نشر ورجاوند ۱۳۸۳.
۸. ابوریحان بیرونی، التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، انتشارات بابک ۱۳۶۲.
۹. ابونصر قمی، المدخل الی علم احکام النجوم، مرکز نشر میراث مکتوب ۱۳۷۵.
۱۰. محمد مسعود نجاری، مجمع الاحکام، انتشارات طهوری ۱۳۷۹.
۱۱. شهردان بن ابی‌الخیر رازی، روضة المنجمین، مرکز نشر میراث مکتوب ۱۳۸۲.
۱۲. برزو قادری، آشنایی با ستاره‌بینی ودایی، نشر آتروپات ۱۳۸۲.
۱۳. خواجه نصیرالدین طوسی، صورالکواکب، نشر ققنوس ۱۳۸۵.
۱۴. مایر دگانی، نجوم به زبان ساده، ترجمه خواجه پور، گیتاشناسی ۱۳۸۶.

با علم به اینکه
سهروردی
حتی ۵۸ سال هم
عمر نکرده است
(در حدود ۳۸ سالگی
به شهادت رسیده است)
احتمال ورود
شمس تبریزی
در آستانه
شهادت سهروردی
به شهر حلب
قطعاً اشتباه
است.